

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جان پیلجر  
بازنشر: تدارک کمونیستی  
۰۴ جنوری ۲۰۲۴



جان پیلجر

## سکوت را بشکنید! یک جنگ جهانی دیگر از دور دیده می شود!

مثل خرابه های عراق و افغانستان، اوکراین به پارک تفریحی سازمان سیا مبدل شده است که توسط مدیر سیا جان برنان در کی یف اداره می شود. با «نیروهای ویژه» شان از سیا و اف بی آی که «ساختار امنیتی» را تشکیل می دهند و هر مقاومتی در برابر کودتای فبروری را بشدت سرکوب می کنند.

\*\*\*\*\*

**توضیح:** مقاله زیر از جان پیلجر در سال ۲۰۱۴ به نگارش درآمده و توسط رفقای ما ترجمه و در سایت امید منتشر شده است. سایت امید تا پیش از اعلام موجودیت تدارک کمونیستی تریبون ما بود. انتشار مجدد مقاله به مناسبت درگذشت جان پیلجر و برای بزرگداشت وی صورت می گیرد.

**توضیح سایت امید:** جان پیلجر از معدود ژورنالیستهای با سابقه ای است که مرعوب جو غالب بر امپراتوری رسانه های ترانس آتلانتیک نشده و از بیان حقایق ابائی به خود راه نمی دهد. ترجمه مقاله حاضر به معنای تأیید تمام مواضع تحلیلی آن نیست. در بیان تجاوزگری بلوک ترانس آتلانتیک سرمایه به سرکردگی امریکا، آنچه پیلجر بیان می کند حقایقی هستند که اپوزیسیون "رژیم چنج" ایران و بخشهای وسیعی از بورژوازی حاکم در چهارچوب سیاست "نرمش قهرمانانه" در قبال غرب آنها را انکار می کنند.

\*\*\*\*\*

چرا ما تهدید به یک جنگ جهانی دیگر به نام خود را تحمل می کنیم؟ چرا ما اجازه می دهیم دروغ هائی گفته شوند که چنین خطری را توجیه می کنند؟ هارولد پینتر می نویسد: توانائی ما در تلقین چیزها به خودمان چنان عالی است که به

طنز می ماند، درست مثل یک اجرای موفقیت آمیز هیپنوتیزم: «باور می کنیم که حقیقت هرگز اتفاق نیافتاده است، حتی در همان لحظه ای که دارد اتفاق می افتد!»

هر سال مؤرخ امریکائی، ویلیام بلوم، «خلاصه ای از سابقه سیاست خارجی امریکا» را منتشر می کند؛ این نوشته نشان می دهد که از سال ۱۹۴۵، ایالات متحده سعی در سرنگونی بیش از ۵۰ دولت در جهان را داشته است که بسیاری از آنها به طور دموکراتیک انتخاب شده اند، بشدت در انتخابات ۳۰ کشور جهان دخالت کرده است، غیرنظامیان ۳۰ کشور جهان را بمباران کرده است، سلاح های کیمیائی و بیولوژیکی مورد استفاده قرار داده و اقدام به ترور رهبران کشورهای خارجی کرده است. در بسیاری از این موارد، بریتانیا همکار ایالات متحده بوده است.

درجه درد و رنج انسان - از تبهکاری و جنایت بگذریم - در غرب، با وجود به ظاهر پیشرفته ترین و آزادترین وسایل ارتباط جمعی و روزنامه نگاری آزاد، کمتر مورد شناخت قرار گرفته است. این که اکثر قربانیان متعدد این تروریسم - تروریسم خود ما - مردم مسلمان هستند، موضوعی است که کسی جرأت گفتنش را ندارد.

این که جهادیسف افراطی که منجر به ۱۱ سپتمبر شد، به عنوان یک سلاح سیاست انگلیس - امریکائی (عملیات گردباد در افغانستان) پرورش داده شده بود، گفتنش ممنوع است و سرکوب می شود. در ماه اپریل امسال، وزارت امور خارجه امریکا، پس از عملیات ناتو در ۲۰۱۱ لیبیا، گزارش داد که این کشور به یک پناهگاه امن تروریستها مبدل شده است.

نام دشمن «ما» در طول این سالها، از کمونیسم به اسلام گرائی تغییر کرده است، اما به طور کلی هر جامعه ای مستقل از قدرت های غربی را در برمی گیرد که معادن سودمند و منابع غنی دارند. رهبران این کشورهای «مشکل ساز» معمولاً با خشونت به کنار رانده می شوند؛ مانند محمد مصدق دموکرات در ایران و سالوادور آلنده در چیلی؛ یا این که به قتل می رسند مانند پاتریس لومومبا در کنگو. همه آنها در معرض کمپین های رسانه های غربی، از کاریکاتورسازی تا فحاشی، قرار می گیرند، مانند فیدل کاسترو، هوگو چاوز و ولادیمیر پوتین.

نقش واشنگتن در اوکراین، فقط از نظر پیامدهای آن برای خود ما متفاوت است: برای اولین بار پس از ریاست جمهوری ریگان، ایالات متحده همه دنیا را به جنگ تهدید می کند. با اروپای شرقی و پایگاه منطقه بالکان که اکنون مبدل به پایگاه نظامی ناتو شده است، آخرین «دولت حائل» در مرزهای روسیه از میان رفته است. ما در غرب، از نئونازی های کشوری حمایت می کنیم که نازی های اوکراینی در آن از هیتلر حمایت کرده بودند. با برنامه ریزی کودتا علیه دولت منتخب دموکراتیک در کی یف، طرح واشنگتن برای ایجاد تشنج تاریخی در روسیه و از میان رفتن پایگاه قانونی نیروی بحری روسیه در آبهای گرم کریمه با شکست مواجه شد. روس ها از خود دفاع کردند، همانطور که آنها در برابر هر تهدید و حمله از سوی غرب برای تقریباً یک قرن، از خود دفاع کرده اند.

اما به محاصره نظامی ناتو شتاب داده شده است. به همراه آن، امریکا حمله هماهنگ علیه اقوام روس در اوکراین را آغاز کرده است. اگر پوتین برای کمک به مقاومت شرق برانگیخته شود، نقش منفوری که از وی به طور بین المللی ساخته شده است، اعلان جنگ کماندوهای تحت فرمان ناتو را توجیه می کند و به احتمال زیاد چنین جنگی به داخل روسیه هم کشانده خواهد شد.

در عوض، پوتین، جنگ طلبان را به کلی سر در گم کرده است. او از طریق خارج کردن سربازهایش از مرزهای اوکراین به دنبال همسازی با واشنگتن و اتحادیه اروپا است و همچنین از اقوام روسی در اوکراین خواسته است که رفراندوم تحریک کننده آخر هفته را عقب بیندازند [مقاله حاضر پیش از رفراندوم در شهرهای شرقی اوکراین نوشته شده است / توضیح مترجم]. این مردم روس زبان و دو زبانه - که یک سوم از جمعیت اوکراین را تشکیل می دهند - مدت هاست که به دنبال یک فدراسیون دموکراتیک هستند که منعکس کننده تنوع قومی این کشور و خودمختاری و

استقلال از مسکو باشد. اغلب آنها نه «جدائی طلب» هستند و نه «شورشی» و صرفاً شهروندانی هستند که می خواهند با آسایش و امنیت در کشور خود زندگی کنند.

مثل خرابه های عراق و افغانستان، اوکراین به پارک تفریحی سازمان سیا مبدل شده است که توسط مدیر سیا جان برنان در کی یف اداره می شود. با «نیروهای ویژه» شان از سیا و اف بی آی که «ساختار امنیتی» را تشکیل می دهند و هر مقاومتی در برابر کودتای فبروری را بشدت سرکوب می کنند.

تصاویر ویدئویی را نگاه کنید و گزارشهای شاهدان عینی قتل عام ادسا در این ماه را بخوانید. ارادل و اوباش فاشیست ساختمان اتحادیه های کارگری را به آتش کشیدند و ۴۱ نفر را که در داخل ساختمان در تله افتاده بودند، سوزاندند. به نیروهای پولیس که در آنجا دیده بانی می کنند، نگاه کنید. دکتری که سعی کرده بود جان قربانیان را نجات بدهد می گوید «نیروهای نازی اوکراینی جلوی مرا گرفتند. یکی از آنها مرا به شدت هل داد و به من قول داد که من و بقیه یهودیان ادسا بزودی دچار همین سرنوشت خواهیم شد. می خواهم بدانم چرا تمام دنیا سکوت کرده است.»

اوکراینی های روسی زبان در حال مبارزه برای زنده ماندن هستند. زمانی که پوتین خروج نیروهای روسیه از مرزها را اعلام کرد، وزیر دفاع دولت خونتا - یکی از مؤسسان حزب فاشیست اسو بودا - با افتخار اعلام داشت که حملات بر «شورشیان» ادامه خواهد داشت. رسانه های تبلیغاتی در غرب، به شیوه ای مانند داستانهای جورج اورول، از زبان ویلیام هیگ [وزیر جنگ انگلیس]، به طور کاملاً وارونه ای اعلام داشتند که مسکو «تنشها و تحریکات را هماهنگ می کند». این به سخره کشیدن ها، توسط پیام تبریک عجیب و غریب اوباما به خونتای کودتاچیان برای «خویشتن داری قابل تحسین» درست پس از قتل عام ادسا همزمان و دو چندان شده است. خونتای غیر قانونی و تحت سلطه فاشیست، توسط اوباما به عنوان «دولت منتخب قانونی» نام داده شده است. هنری کسینجر یک بار گفته است: «حقیقت مهم نیست، بلکه آنچه می شود مهم است!»

در رسانه های ایالات متحده، فاجعه ادسا به عنوان یک برخورد «مبهم» و «دردناک» میان «ملی گرایان» (یعنی نئونازی ها) و «جدائی طلبان» شرح داده شده است (جدائی طلبان یعنی مردمی که برای یک رفرااندوم در جهت اوکراین فدرال امضاء جمع می کردند). وال استریت ژورنال، روزنامه رابرت مردوخ، قربانیان را محکوم می کند: «دولت می گوید که به نظر می آید آتش کشنده در اوکراین توسط شورشیان افروخته شده است». تبلیغات در المان یک جنگ سرد تمام عیار است: فرانکفورتر آگمانیه سایتونگ خوانندگان را به «جنگ اعلان نشده روس ها» هشدار می دهد. برای المانی ها این طنز بسیار زشتی است که پوتین تنها رهبر سیاسی است که ظهور فاشیسم در اروپای قرن ۲۱ را محکوم کرده است.

یک نظریه عمومی اینست که جهان پس از ۱۱ سپتمبر تغییر کرده است. اما چه چیزی تغییر کرده است؟ به نظر یکی از خبررسانان معروف، دانیل السبرگ، یک کودتای خاموش در واشنگتن اتفاق افتاده و میلیتاریسم قدرت را به دست گرفته است. پنتاگون در حال حاضر در ۱۲۴ کشور جهان «عملیات ویژه جنگی» اجراء می کند. در خانه، افزایش فقر و آزادی جنایت، تأثیر تاریخی منطقی این حالت جنگ دائمی است. خطر بروز جنگ هسته ای را هم به اینها اضافه کنید، و سپس سوال مصرانه ای مطرح می شود: این که برآستی چرا ما اینها را تحمل می کنیم؟

جان پیلجر

ترجمه: تحریریه امید

منبع: <http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=12243>